نامه‏ی دکتر مصدق‏ در جواب نامه‏ی کمیته‏ی سازمان‏ دانشجویان جبهه‏ی ملی ایران

احمدآباد-28 فروردین ماه 1343

کمیته‏ی سازمان دانشجویان جبهه‏ی ملی ایران

مصدق، محمد

نامه‏ی مورخ 19 فروردین عز وصول ارزانی بخشید و موجب‏ نهایت امتنان گردید.این‏که مرقوم فرموده‏اید نظریات خود را درباره‏ی‏ تشکیلات و نحوه‏ی مبارزات به آن سازمان محترم عرض کنم،قبلا لازم است مقدمه‏یی از آن‏چه در راه بقای هدف ملت ایران به کار رفته‏ است بنویسم و بعد نظریات خود را در باب تشکیلاتی که بتواند از این‏ هدف دفاع کند،اظهارنطر نمایم.

اکنون شرحی راجع به‏ نمایندگان دوره‏ی 17 تقنینیه‏ عرض می‏کنم که گفته می‏شود 40 نفر از آن‏ها که اکثریت داشتند با دولت موافق و 35 نفر دیگر مخالف دولت بودند و چون عده‏ی‏ نمایندگان مجلس طبق قانون‏ انتخابات که در دسترسم نیست، بیش از این بود که لازم است در این‏بارخ توضیحاتی داده شود که‏ چرا در مجلس بیش از 75 نفر وارد نشد.

نطر به این‏که قبل از خاتمه‏ی انتخابات این جانب برای‏ دفاع از حقوق ملت ایران‏ می‏بایست در دیوان بین المللی‏ لاهه حاضر شوم و می‏خواستند در غیاب این جانب در هر محل‏ که انتخابات می‏شد بلوا و غوغا برپا کنند و این کار سبب شود که‏ حواس این‏جانب متوجه انتخابات‏ گردد و نتوانم وظایف خود را در دیوان بین المللی انجام دهم‏ انتخابات بقیه نمایندگان را موکول به مراجعت کردم و بعد هم انتخاباتی نشد و ملت هم از این عمل که در خیر مملکت شده بود، اظهار عدم رضایت نکرد،چون که می‏دانست نداشتن نماینده در مجلس هب از یان است که نماینده در مجلس باشد و به ضرر ملکت رأی‏ بدهد.این اکثریت و اقلیتی که در مجلس شده بود تا چندی به وظایف‏ خود عمل می‏کرد.انتخابات رییس مجلس که پیش آتمد عده‏یی‏ منحرف شدند و اکثریت از دست رفت و بعد خواستند از آن استفاده‏ کنند و طبق مقررات قانون اساسی دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند و نقشه این بود که یکی از مخالفین دولت را برای نظارت در کار اسکناس انتخاب کنند و او که به بانک ملی رفت،گزارشی بر علیه‏ دولت بهد و ثابت کند که دولت بر خلاف قانون 300 میلیون تومان از نشر اسکناس سوءاستفاده نموده است و چون دولت آن نماینده را برای‏ اجرای قانون در بانک دعوت ننموده،دولت را استیضاح کردند وددلوت‏ نگکرانی نداشت که در نتیجه‏ی استیضاح حیثیتش از دست برود. چون که متجاوز از 250 میلیون از این وجه برای اجرت کارگران معادن‏ نفت به کار رفته بود و دولت نمی‏توانست به علت نبودن عواید نفت‏ آن‏ها را گرسنه بگذارد که اغتشاش کنند و مخالفین بگویند ملت ایران‏ قادر نیست معادن خود را اداره نماید و بقیه‏ی وجه مزبور هم صرف‏ مخارجی از همین قبیل شده بود.نگرانی از این جهت بود که طبق یکی از مواد آیین‏نامه‏ی مجلس تصمیم گرفتم مدت یک ماه در جواب‏ استیضاح تاخیر شود و در مجلس حاضر نشویم و چون این کار نتیجه‏ی‏ قطعی نداشت و بعد از یک ماه باز دولت می‏بایست در مجلس حاضر و عزل شود،چنین به نظر رسد که تکلیف دولت را ملت ایران‏ به وسیله‏ی رفراندوم معلوم کند.اگر ملت با بقای دولت موافق نبود به‏ ابقای مجلس رای بدهد و دولت از کار خارج شود.نظر به این‏که توسل‏ به رفراندوم نقشه‏یی را که بر علیه دولت ترسیم شده بود،خنثی‏ می‏کرد،رییس مجلس نزد من آمد و تقاضا نمود از این کار صرف‏نظر کنم و من هیچ جوابی نداشتم غیر از این‏که بگویم به مجلس که از خود فکری ندارد،هرگز نمی‏روم.چنان‏چه بروم گذشته از این‏که باید جواب استیضاح را بدهم و عزل شوم،هدف ملت ایران را هم باید از به نتیجه نرسید،رییس مجلس رفت و بلافاصله دستور اجرای‏ رفراندوم داده شد و همه دیدند که ملت ایران با چه اکثریت قریب به‏ اتفاقی دولت را تثبیت کرد.

نظر به این‏که راه دیگری برای عزل دولت نبود،به دست‏خط شاهنشاه متوسل شدند که این‏جانب حاضر شدم از همه چیز خود بگذرم و در راه آزادی و استقلال وطن عزیزم از هرگونه فداکاری‏ خودداری نکنم.

اکنون بسیار خوش‏وقتم که این فداکاری بی‏اثر نبود و شما جوانان‏ و جمعیت‏های وطن‏پرست در راه آزادی و استقلال ایران از هرگونه‏ فداکاری دریغ ننموده و از همه چیز خود گذشته‏اید،برای این‏که هدف‏ ملت ایران را حفظ کنید؛ولی باید دانست که با اساسنامه‏ی فعلی این‏ هدف روز به روز ضعیف‏تر می‏شود تا کار به جایی رسد که آن را فراموش‏ کنند و از آن جز اسم چیزی باقی نگذارند.

و اما این‏که مرقوم فرموده‏اید نظریات خود را درباره‏ی تشکیلات‏ و نحوه‏ی مبارزات عرض کنم.

راجع به تشکیلات چون از حدود مطالعه خارج نیست،می‏توانم‏ نظریاتی بدهم،ولی راجع به نحوه‏ی مبارزات از این‏جانب که در زندان‏ به سر می‏بردم کاری ساخته نیست،چون که مبارزه هر آن به صورتی‏ در می‏آید که رهبری جبهه باید تجدیدنظر کند و آنی غفلت ننماید و تعیین نحوه‏ی مبارزه از وظایف هیات اجراییه و آن کسی‏ست که برای‏ رهبری انتخاب می‏شود.

اکنون اجازه می‏خواهم که عرض کنم شما دانشجوین عزیز جزی‏ از افراد مملکت‏اید و نمی‏توانید به تنهایی کار مفیدی انجام دهید،مگر این‏که با سایر تشکیلات مملکتی همکاری کنید و این کار با اساس‏نامه‏یی که برای جبهه‏ی ملی تنظیم شده به هیچ‏وجه صورت‏ نخواهد گرفت.

اساس‏نامه باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‏یی که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده‏ وارد جبهه شوند،در تصمیمات جبهه‏ی ملی شرکت کنند و نمایندگان‏ مزبور نظریات جبهه را به اطلاع موکلین خود برسانند و انجام آن را بخواهند.

هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد و هیچ‏وقت حاضر نمی‏شود از مرام خود دست بکشد و تشکیلات خود را منحل نماید. صلاح جبهه‏ی ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته‏ باشد،فقط اجرای مرام خود را تامین نماید.بنابراین نعریفی که‏ می‏توان از جبهه‏ی ملی نمود،این است:«جبهه‏ی ملی مرکز احزاب، اجتماعات و دستجاتی‏ست که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند».این مرام چیزی نیست که یک‏ عده‏ی قلیل و هر قدر صاحب فکر توانند در مملکت آن را اجرا نمایند.بلکه مجری این مرام باید ملت ایران باشد.گذاردن یک‏ عده‏یی در خارج و عدم پذیرش آن به هر عنوان که باشد،برخلاف‏ مصالح مملکت است.

اکنون نظریات خود را برای تشکیل یک جبهه‏ی ملی عرض‏ می‏کنم و تمنا دارم هرگونه اصلاحاتی که لازم است و از نظر این‏جانب‏ دور مانده در آن بفرمایید.

1-برای تشکیل جبهه یک هیات موسس لازم است که در یک‏ جلسه حاضر شوند و از هر یک از احزاب،اجتماعات و دستجات که‏ تشکیلاتی دارد،تقاضا کنند که برای تشکی جبهه دو یا سه نفر از اعضای خود ار انتخاب کنند و به هیات موسس معرفی نمایند.

2-نمایندگان احزاب،اجتماعات و دستجات جبهه‏ی ملی را برای‏ مدت یک سال تشکیل می‏دهند و چنان‏چه فردی از افراد جبهه،ارجع‏ به صالاحیت یکی از اعضا اعتراض کند جبهه‏ی ملی با رای مخفی و اکثریت آرا اظهارنظر می‏کند و این اعتراض ممکن است،در تمام مدت‏ سال داده شود و به شرحی که گذشت،به موقع اجرا درآید.

3-جبهه‏ی ملی هیات را به نام هیات اجرایی از خارج از جبهه،به‏ رای مخفی و به اکثریت آرا انتخاب می‏کند که تصمیمات جبهه را به‏ موقع اجرا گذارند و هیات مزبور نیز یک نفر را از بین خود برای اجرای‏ تصمیمات خود انتخاب خواهد نمود.

در خاتمه لازم است عرض کنم از هیات موسس یک یا دو نفر که‏ مورد اعتمد باشند دعوت کنند.این دعوت شدگان هرقدر بیش‏تر مورد اعتماد جامعه باشند ملت ایران به جبهه‏ی بیش‏تری معتقد می‏شود و سبب خواهد شد که ملت ایران در تحصیل آزادی و استقلال‏ دچار مشکلاتی نشود و آن را هر چه زودتر به دست آورد.

این بود نظریات این هم‏وطن گرفتار شما که به استحضار رسید، دیگر چیزی ندارم که عرض کنم جز این‏که توفیق شما جوانان از خود گذشته و دوستان عزیزم را از خدا بخواهم.